

حدیث روز:

امام سجاد(ع): قریشی و عرب را افتخاری نیست مگر به فروتنی و هیچ کرامتی نیست مگر به تقوا.

واحه:

بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۸ غروب آفتاب: ۲۰/۰۸
 اذان مغرب: ۲۰/۲۸ نیمه شب شرعی: ۰۷/۱۱
 اذان صبح (فردا): ۴/۱۳ طلوع خورشید(فردا): ۵/۵۴

وضعیت

آب و هوای امروز



جمعه

شماره: ۱۷۳۵-۱۷۳۵-۳۶۳۷۲
 پایگاه اطلاع رسانی:
 www.jamejamonline.ir
 www.jamejamdaily.ir
 پست الکترونیکی:
 info@jamejamdaily.ir



شنبه ۱ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۰ شوال ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۴۳ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday - May 22 , 2021

نگاه

نامه‌ای به رئیس‌جمهور منتخب



محمد لطفی

روزنامه‌نگار

سلام آقای رئیس‌جمهور آینده!

یک ماه بعد در این روزها-توی خانه‌تان ولوله‌ای برپاست، همه خوشحالند از این‌که تعداد زیادی از ایرانی‌ها به پدر خانه اعتماد کرده‌اند. نوتیفیکیشن‌های موبایل دختر و پسران چپ و راست، «دینگ دینگ» می‌کند و پر است از تبریک‌های پرتعداد دوستان و فامیل که انتخاب شما را به آنها تبریک می‌گویند. اما همین‌طور که چنگال توی دست‌تان روی سر کاهوی سالاد شام انتخاب‌تان فرود می‌آید، همین‌طور که در کنار بهترین‌هایتان دارید شام انتخاب‌تان را نوش جان می‌کنید، لطفاً التفاتی هم به خانواده‌چند نفره‌ما بکنید.

آقای رئیس‌جمهور آینده!

کاش فکری برای هم‌سن و سال‌های پدر ما آقا فرامرز- بکنید که مجبور نباشند برای فرار از خجالت زن و بچه‌شان، در آستانه ۷۰ سالگی تا ساعت ده و نیم شب، توی شهر پرتراфик دود گرفته، دنده چاق کنند. کاش نقشه‌ای داشته باشید برای زن‌هایی مثل مادر من؛ برای پری خانم که تا یک‌سال قبل، حتی در ۶۶ سالگی هم برای اثبات علاقه‌اش به شوهر؛ برای این‌که با به‌پای او باز زندگی‌را به دوش بکشد می‌رفت آرایشگاه‌زنانه سر خیابان سوم و به‌خاطر چهارده‌هزار تومان در ماه، موهای مشتری‌ها را از روی سرامیک‌های برق افتاده کف آرایشگاه جمع می‌کرد. کاش مثلاً در مورد امثال احسان؛ برادر بزرگم دو دو چه‌زایی کرده باشید. چون بعد از آن پاپوشی که به ناحق برایش درست کردند، بین سازمان‌های دولتی سر نخواستش دعوا افتاد. البته که عزت دست خداست؛ اما بعد از خالی‌شدن جیب و رفتن آبروی احسان، سعیده همسرش هم پشتش را خالی و گوشه غایت را انتخاب کرد. کاش برنامه‌ای برای «شادی‌های این مملکت که همگی خواهرهای کوچک‌تر من هستند» داشته باشید که هیچ‌پدری از ترس جور نبودن چیزیه «شادی» خانه‌اش، خواستگارها را در نکند!

آقای رئیس‌جمهور آینده!

معیشت، فرهنگ و اخلاق گمشده‌های امروز این جامعه ۸۰ میلیونی است. در پیشگاه خدای بزرگ قسم‌تان می‌دهم اگر برنامه‌ای برای فقرات یاد شده ندارید، اگر نباشد خدای ناکرده، این مردم زجر کشیده و خسته، «خودشان بمالند» یا بالای جنازه عزیزشان یک نفر بگویند «خدا را شکر بیمه بودند»، از همین حالا عطای ریاست را به نقاشی ببخشید و با خانواده عزیزتان، به زندگی نرمال خودتان ادامه بدهید که فردای محشر، کار باکرام‌الکاتبین است.

تعارف‌ها هم شکل خاص خود را داشت، یکی می‌رفت کربلا و نجف و شام و مکه و در بازگشت می‌گفت: خدا قسمت‌تان کند، بروید و حال‌دل‌تان خوب شود. یکی هم می‌رفت آن‌ور دنیا؛ کانادا و آمریکا و اروپا و در برگشت می‌گفت: خدا قسمت‌تان کند که بروید و حظ کنید. آنهایی هم که سفر در سیدشان نبود مثلاً می‌رفتند کافه‌ای، رستورانی و غذایی دیش می‌خوردند و بعد در لایه‌لای صحبت‌شان می‌گفتند: خدا قسمت‌تان کند... اما کرونا آمد و زد همه معادلات بشری را به هم ریخت و نشان داد بدیهیات زندگی همچین آسان هم نیستند

منوچهر والی‌زاده: حیف که چنگیز را از دست دادیم



آقای والی‌زاده واکسن کرونا زدید؟ با خنده می‌گوید: بله، بله... آن‌شاء... که همه بزنند و همه حالشان خوب باشد و همه دیگر از این کرونا ترسند و به زندگی عادی برگردیم. والی‌زاده می‌گوید: خدا کمک کرد و به کرونا مبتلا نشدم. البته مراقب هم بودیم، ماسک می‌زنیتم و تا جایی که امکان دارد از خانه بیرون نمی‌رویم، مگر این‌که کار واجبی داشته باشیم، اگر مراقبت نکرده و دستورالعمل‌ها را رعایت نکنیم خودمان گرفتار می‌شویم. کار دوبلاژ هیچ‌وقت تعطیلی ندارد و ما باید مرتب سرکار برویم تا فیلم‌ها و سریال‌ها را دوبله‌ کرده و به مردم برسانیم، به‌خصوص در دوره کرونا که مردم برای سرگرمی به تماشای آثار نمایشی ایرانی و خارجی روی آوردند و کار ما هم زیاد شد. این‌که کار داریم و چرخ اقتصادی‌مان می‌چرخد جای شکر دارد اما برخی همکاران ما هم از دست دادیم مثل آقای چنگیز جلیلود که واقعا حیف بود. من هنوز هم باور نمی‌کنم چنگیز با کرونا رفته باشد. والی‌زاده درباره واکسن کرونا می‌گوید: از طریق خانه سینما به ما اطلاع دادند برای دریافت واکسن برویم. در این‌که واکسن بزمن یا نه اصلاح‌ش نکردم. برای دریافتش هم استرس نداشتم. برنامه‌ریزی دقیقی هم کرده بودند فقط دو دقیقه معطل شدم. واکسن زن که استرس ندارد. استرس را از زمانی که کرونا شایع شد، تجربه کردم. همه از هم دور افتاده‌ایم و می‌ترسیم به خانه یکدیگر برویم و اقوام و نزدیکان را ببینیم و دورهمی‌های گذشته را تجربه کنیم. نزدیک یک‌سال است که خواهرم را ندیده‌ام و فقط تلفنی با او صحبت کردم. کرونا همه دنیا را درگیر کرد و برای اولین بار است که گویا فقط ایرانی‌ها نیستند که دچار یک مشکل جدی شده‌اند. همه دنیا این مشکل را هم‌زمان با ما تجربه می‌کنند. امیدوارم با فراگیر شدن واکسن یا سباسبون همه مردم دنیا از این ویروس در امان بمانند. ما دوز اول واکسن چینی سینوفارم را دریافت کردیم و دوز دومش رایک ماه دیگرمی‌زنیتم. والی‌زاده درباره شرایط کار در دوره کرونا می‌گوید: سخت شده قبلاً برای دوبله یک کار دوبلورها با هم داخل اتاق می‌رفتیم و هر کسی جای شخمتی که مشخص شده بود صحبت می‌کرد و حال و هوای کار هم بهتر می‌شد چون به هم به اصطلاح پاس می‌دادیم. اما الان باید یکی یکی برویم داخل اتاق و نقش خودمان را بگوییم، حس کار دیگر مثل قبل نیست و زمان دوبله هم طولانی‌تر می‌شود. در این میان مدیر دوبلاژ از همه بیشتر باید زحمت بکشد چون در طول کار باید حضور داشته باشد و کنار همه بنشیند. بزرگ‌ترین آرزویم این است که کرونا به زودی مهار شود و برگردیم سر زندگی و عادی. شرایط کرونایی خیلی آزاردهنده است.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۱۹

■ تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۰۴۰۰۰ ■ دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۶۶۲۵۲

■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۶۱۸۴۱۳

■ امور مشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰

■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

سنجند رشت بیرجند بوشهر اصفهان اردبیل اهواز تهران

۳۴ / ۱۵ ۳۰ / ۲۱ ۳۱ / ۱۵ ۳۶ / ۲۸ ۳۵ / ۱۵ ۳۳ / ۱۰ ۴۶ / ۲۹ ۳۵ / ۲۵

گفت‌وگو با منوچهر والی‌زاده و مریم معترف که واکسن کرونا دریافت کرده‌اند

ان‌شاء... قسمت شما هم بشود

و می‌توانند بسیار پیچیده شوند مثل همین نفسی‌که مُمد حیات است و با یک ویروس ریز و میکروسکوپی می‌تواند به عملی پیچیده تبدیل شود. در این شرایط دیگر نه سفر و نه غذا و نه خوشگذرانی آنقدر ارزش ندارد که آن‌را ن‌شاء... قسمت همه شود؛ الان در مراودات و صحبت‌های رودررو و آنلاین هر کسی در هر کجای دنیا واکسن کرونا زده به آنهایی که واکسن نزده می‌گویند؛ «خدا قسمت‌تان کند...» به همین سانگی معادلات انسانی تغییر کرده و واکسن شده یکی از بهترین پدیده‌هایی که این روزها همه به آن نیاز دارند. واکسناسیون



مریم معترف: کرونا، فرهنگ و هنر را له کرد

حوزه تخصصی من تئاتر است، اما با شروع کرونا این حوزه تقریباً تعطیل شد. کارهایی به من پیشنهاد شد اما راستش جرات نکردم بروم سر صحنه تئاتر. چند نفری از تئاتری‌ها را با کرونا از دست دادیم. کارهایی هم که شروع می‌شد خیلی زود تعطیل می‌شد، عجیب دوره نابسامانی برایمان به وجود آورد این ویروس. یک سال است هیچ‌کاری نکرد و در خانه مانده‌ام و با کتاب و فیلم سرم را گرم می‌کنم. حقوق بگیر هستم و حقوقی به دستم می‌رسد که اموراتم را کم و بیش بگذرانم اما دیگر همکارانم که حقوق بگیر نیستند از نظر معیشتی زیاد آسیب دیده و سختی زیادی دیدند و تعدادی ششان مجبور شدند کارهایی انجام دهند که هیچ ربطی به هنر نداشت اما ناچارند. هرگز تصور نمی‌کردم روزی یک ویروس بتواند چنین دنیا را به هم بریزد. در داستان‌ها و تاریخ خوانده‌ایم که مثلاً وبا و طاعون آمده و مردم زیادی را درگیر کرده اما کرونا همه دنیا را گرفت. به این دلیل که مردم امروز با چند ساعت پرواز می‌توانند از قاره‌ای به قاره دیگر بروند و ویروس را با خود ببرند. قدیم‌ها چون وسایل نقلیه این قدر پیشرفته نبودند تا مثلاً فرد آلوده از چین به روسیه برود آنقدر زمان می‌برد که ویروس از بین می‌رفت اما الان ویروس داغ داغ به همه دنیا می‌رسد. بی‌ملاحظگی برخی هم در گسترش کرونا دخیل بود. سال‌ها بعد زمانی که کرونا مهار شد، درباره این دوره کتاب خواهند نوشت و فیلم خواهند ساخت. ما الان وسط ماجرا هستیم و نمی‌توانیم عمق وابعاد کرونا را درک کنیم. برای نسل آینده البته قابل تصور نخواهد بود که ما چه دوره و شرایطی را گذرانده‌ایم، چقدر رسیدهایم و چقدر با چشم خود شاهد از دست دادن عزیزانمان بوده‌ایم. همان‌طور که ما تصور واضحی از دوره شیوع مثلاً طاعون و وبا نداریم، البته الان فیلم و عکس از دوره کرونا یاد تهیه شده و این مستندات به آیندگان دست‌رسی بیشتری می‌دهد که شرایط را بهتر درک کنند. کرونا خیلی هوشمند است و می‌داند رعایت پروتکل‌ها و مراقبت کردن‌ها شخصی نیست و اگر کل مردم رعایت نکنند، آمار ابتلا و مرگ و میر بسیار بالا می‌رود، این را بعد از تعطیلات نوروز که مردم رعایت نکردند و به سفر رفتند، دیدیم. من بدون هیچ‌اگر، اگر تردیدی واکسن کرونا را دریافت کردم. به نظرم دانشمندان در این زمینه خیلی خوب کار کردند و در زمان کوتاهی چند نوع واکسن ساختند. من علم را قبول دارم و اعتماد زیاد است، وقتی دیدم سازندگان واکسن خودشان مقابل دوربین این واکسن را دریافت کردند دیگر شک نکردم. وقتی نمی‌توانیم به صورت شخصی با کرونا مبارزه کنیم باید واکسن را دریافت کنیم. به نظرم هرچقدر میزان واکسناسیون بالاتر برود و تعداد بیشتری واکسن بزنند ایمنی جمعی هم بیشتر می‌شود و مهار کرونا تقویت می‌شود. امیدوارم هر چه زودتر همه مردم واکسن بزنند و این نعمت قسمت همه بشود.

امروز در تاریخ:

✂ روز بزرگداشت ملاصدرا

✂ زادروز عباس یمنی‌شریف، نویسنده و شاعر کودکان (۱۲۹۸ش)

✂ آغاز تحریم‌های آمریکا علیه ایران (۱۳۵۹ش)

✂ درگذشت ویکتور هوگو؛ نویسنده فرانسوی (۱۸۸۵ م)

حکمت ۱۲:

✂ ناتوان‌ترین مردم کسی است که در یافتن دوست ناتوان باشد و ناتوان‌تر از او، کسی است که دوستی‌فران چنگ آرد و ضایعش گذارد.



رسم عدالت و روح جوانمردی و روح سلحشوری و شم اقتصادی



امید مهدی نژاد

طنزنویس

✂ روزی اردلان‌شاه پیشگاهی، سومین پادشاه سلسله پیشگاهیان، از سلسله‌های پادشاهی ایران باستان قدیم پاک آریایی، تصمیم گرفت کاخی بسازد که هم از کاخ‌های پادشاهان پیشین فاخرتر و مجلل‌تر باشد و هم از کاخ‌های پادشاهان سایر ممالک مجهزتر و اکازیون‌تر باشد تا چشم همه دریابید. پس دستور داد در نزدیک‌ترین فاصله به کاخ قدیم، طراحی ساخت کاخ جدید را آغاز کنند. معماران و مهندسان و بنایان و انبوه‌سازان گرد هم آمدند و پس از طراحی بنایی مجلل و باشکوه و مشخص کردن زمینی برای ساخت آن، کار را آغاز کردند.

پس از چند روز مشاور حقوقی پروژه نزد اردلان‌شاه رفت و گفت: ای پادشاه بزرگ در کار تملیک اراضی مورد نیاز اشکالی پیش آمده. پادشاه گفت: چطور شده است؟ مشاور حقوقی گفت: مقرر شد به هریک از مردم که خانه‌اش در طرح ساخت کاخ جدید واقع شده است، مبلغی معادل دوبرابر قیمت خانه‌اش پرداخت و سپس خانه‌اش تملیک شود تا خون آریایی‌اش کثیف نشود. اردلان‌شاه گفت: به به چه کار نیکویی! مشاور حقوقی گفت: اما پیرزنی هست که خانه‌ای محقر دارد که اتفاقاً دیوار اصلی کاخ جدید باید از نقطه‌ای که خانه وی واقع شده‌است رد شود اما علی‌رغم آن‌که حاضر شده‌ایم سه‌برابر قیمت منزلش را به او بدهیم، راضی به فروش نمی‌شود. وی در پایان افزود: با او چه کنیم؟

اردلان‌شاه گفت: از من نپرسید چه کنیم. بروید و بنا به رسم عدالت و روح جوانمردی که در نهاد همه ایرانیان قدیم است با او رفتار کنید. مشاور مالی چون این فرمان را شنید نزد پیرزن رفت و با او مذاکره کرد و پیرزن نیز بنا به روح سلحشوری و شم اقتصادی که در نهاد همه ایرانیان قدیم بود، در قبال دریافت مجوز و تراکم لازم برای ساخت صد واحد مسکونی در بهترین نقطه پایتخت با ویوی ابدی، خانه‌اش را واگذار کرد. آیندگانی که از ویرانه‌های کاخ پیشگاهی دیدن کرده‌اند، حتماً دیوار اصلی کاخ را دیده‌اند که در هیچ نقطه‌ای کج نشده و به‌طور کامل در خطی راست به جلو رفته است و این نشان پیوند روح جوانمردی، رسم عدالت، روح سلحشوری و شم اقتصادی در ایرانیان قدیم است.



هم بایستند به تماشا. چه آن گروه‌ک‌هایی که زندگی را به کام مردم زهر کرده بودند و حاکمانی که نخواسته یا ناتوانسته بودند سنگ آسیاب را از روی سینه مردم بردارند و چه آدم‌هایی که در بنیادهای عام المنفعه همه تلاش‌شان را برای کم کردن رنج پناهجویان کرده‌اند. همه آدم‌های اردوگاه‌های پناهجویان، همه سربازها، همه فعالان حقوق بشر بایستند به تماشا و فیلم یلی شود. یک قایق که «ابرار ظرفیت عادی‌اش مسافر سوار کرده و در مسیری که در حالت عادی باید با شنآوری چند برابر بزرگ‌تر طی شود، در حال دریانوردی است که ناگهان با چند موج مخالف واژگون می‌شود و آب از سر پناهجویان می‌گذرد.

فرار، آخرین راه است جلوی پای مردمی که کورسویی از امید به زندگی را در آن طرف آب‌ها می‌بینند. فرار از خانه پدری که سال‌هاست تبدیل شده به میدان جنگ چند گروه‌ک یا آدم‌ک دست قدرت‌های بزرگند یا اعتقاد افراطی‌شان به عقیده‌ای بی‌اساس، این اجازه را به آنها داده که برای رسیدن به آرمان‌شان زندگی مردم را گروگان بگیرند. حالا این مسیر فرار دوب‌لبه دارد. یا هر طور شده خودت را به کشور مقصد می‌رسانی و حقارت طفیلی بودن و مهاجرت غیرقانونی را تجربه می‌کنی یا این‌که با قایقی که برای آن مسافت ساخته نشده غرق می‌شوی و به خاطره دریا می‌پیوندی. آب خیلی وقت است از سر پناهجویان گذشته. کسانی که در زندگی به جایی می‌رسند که قید خانه و وطن و زبان و همه چیز را بزنند و خفت و خواری اردوگاه‌ها را به جان بخرند، دیگر هیچ چیز برای از دست دادن ندارند. منتظرم قیامت از راه برسد و جواب مردمی که هیچ چیز برای از دست دادن نداشته‌اند را به آن سوال «آیا زمین خدا گسترده نبود؟» بشنوم.



زمین گسترده خدا

علی‌رثوف

روزنامه‌نگار

✂ «آنان که فرشتگان، جان‌شان را در حالی که ظالم به خود بوده‌اند می‌گیرند، از آنها می‌پرسند که در چه کار بودید؟ پاسخ می‌دهند که ما روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟!»

قرآن در سوره نساء تا همین جایش را برایمان اسپویل کرده است. پرده‌ای از یک گوشه از قیامت را کنار زده که فرشته‌ها خطاب به مردمی که در زمین مورد ظلم بوده‌اند و به تعبیر قرآن همین که مورد ظلم بوده‌اند یعنی به خودشان ظلم کرده‌اند، تشر می‌زند که این همه وسعت زمین مگر برای چه کسی آفریده شده بود؟ فلان جای زمین به شما ظلم می‌شد؟ در زمین خودتان نمی‌توانستید درست زندگی کنید؟ خب مهاجرت می‌کردید! بعد از این مکالمه نمی‌دانیم چه پیش خواهد آمد. اگر بر لبان مردم ستم‌دیده دنیا مهر زده نشده باشد و حق دفاع از خود داشته‌ای می‌خواهند فیلم غرق‌شدن قایق پناهجویان در دریاها را از آرشیو دنیا بیرون بکشند و در ملا عام پخش کنند. همه آدم‌ها